

۸ - ترک غذای گوشت اولی است¹

و نیز در خطابی دیگر است قوله الجلیل: اَمَّا در خصوص خوردن گوشت حیوان و عدم آن بدانکه در اصل ایجاد الهی طعام هر ذی روحی معین گردیده که دون آن موافق نه مثلاً حیوان درنده مانند گرگ و شیر و پلنگ آلت درندگی دارد مثل دندان کج و ناخن و چنگ این واضح است که طعام این حیوان گوشت است اگر بخواهد بچرد دندانش نبات را نبرد و همچنین دانه را حل نتواند زیرا دندان آسیاب ندارد و اَمَّا حیوان چرنده را مثل چهارپایان دندانی داده که مانند داس گیاه را درو نماید این واضح است که طعام این حیوانات نبات است اگر بخواهد صید حیوان نماید نتواند ولی باز را منقار کج است و چنگ تیز اگر بخواهد دانه از زمین بردارد نتواند زیرا منقار مانع از اخذ دانه است لهذا غذای او گوشت است و اَمَّا انسان را نه دندان کجی و نه ناخن تیز و چنگی و نه دندانی نظیر داس آهنی ازین واضح و مشهود گردد که طعام انسان حبوبات و اثمار است دندانهای انسانی بعضی مانند آسیاست که دانه را حل نماید و بعضی تیز و راست است که اثمار پاره کند لهذا انسان محتاج و مجبور بخوردن گوشت نیست اگر ابداً گوشت نخورد باز در نهایت خوشی و قوت زندگانی نماید مثل اینکه طائفه برهمای هند ابداً گوشت نخورند و با وجود این در قوت و قدرت بنیه و قوای حسیّه و مشاعر عقلیه از طوائف دیگر پست تر نیستند و فی الحقیقه ذبح حیوانات و خوردن گوشت قدری مخالف رحمت و شفقت است اگر کسی بتواند به حبوبات و فواکه و روغنها و مغزها از پسته و بادام قناعت کند البته بهتر و خوشتر است .

1

گر دعا جمله مستجاب شدی
هر دمی عالی خراب شدی

(اوحدی)

گر تضرع کنی و گر فریاد
دزد زر باز پس نخواهد داد

(سعدی)

آذر باد زرتشت یکی از پیشوایان بزرگ در اندرز نامه خود میگوید صد و شصت سال زیسته ام و نود سال عمر خود را بمؤبدی و پیشوایی گذرانیدم هرگز گوشت نخوردم و اگر امر مهی انجام دادم غزه نشدم و از رنجی که بمن رسید افسرده نگردیدم . (از کتاب اخلاق ایران باستان)

و از آن حضرت در سفرنامه اروپاست قوله العزیز: وقتی بیان جمال مبارک این بود که اگر کسی حیوانات ذبح نکند و به نباتات قناعت نماید البته بهتر است ولی نهی نفرمودند زیرا ممکن نیست که انسان حیوانی نخورد چه که در هر آب و گیاهی و میوه‌ای حیواناتی که انسان از خوردن ناگزیر است موجود نهایت ضعف و شدتی دارد .

و در سفر نامه آمریکا است قوله العزیز: ولیکن خوراک انسان گوشت نیست چه که در ایجاد آلات گوشت خوری باو داده نشده خدا او را احسن صور داده و مبارک خلق فرموده نه درتده و خونخوار .

و در خطابی است قوله العزیز: اما از مسئله ذبح حیوانات سؤال نموده بودید چون جماد از عالم جمادی فانی شود و بعالم نباتی آید پس ترقی کند و چون نبات از عالم نباتی فانی گردد ترقی نماید بعالم حیوانی در آید و چون از عالم حیوانی فانی شود به عالم انسانی ترقی کند مبنی بر این حکمت است که خوردن گوشت مباح گردیده با وجود این شفقت و مرحمت انسان خشنود از ذبح حیوان نیست ولی نظر برحم و مروت است نه حکم الهی حکم الهی همان است که در کتاب منصوص است .

و در مفاوضات است قوله العزیز: ولی سعادت حقیقی (حیوان) این است که از عالم حیوان به عالم انسان انتقال نماید مثل حیوانات ذریه که بواسطه هوا و آب در جوف انسان حلول نماید و تحلیل گردد و بدل ما يتحلل در جسم انسان شود این نهایت عزت و سعادت اوست دیگر ما فوق آن عزت برای او تصور نشود .

و از حضرت بهاءالله در سورة الملوك است قوله جلّ و عزّ بیانه: يا ملاء القسيسين و الزهبان كلوا ما احله الله و لا تجتنبوا اللحوم قد اذن الله لكم باكلها الا في ايام معدودات فضلاً من لدنه انه لهو العزيز الكريم ضعوا ما عندكم خذوا ما اراده الله هذا خير لكم ان انتم من العارفين .